

## آموختن از درسهای انقلاب کبیراکتوبر و مبارزه انقلابی مستمر علیه سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و ارتجاع و انواع رویزیونیسم و اپورتونیسم از وظایف عمده و مهم کمونیستهای انقلابی در جهان است

مارکسیسم انقلابی علم است. تئوری های علمی بخشهای مختلف این علم (فلسفه، اقتصاد سیاسی و سوسیالیسم علمی) بوسیله مارکس کشف شد و با همکاری نزدیک انگلس تکامل یافت. با کشف مارکسیسم انقلابی پرولتاریای جهان به علم انقلاب پرولتری و مهمترین و تعیین کننده ترین سلاح در رهبری مبارزات طبقاتی انقلابی علیه طبقه بورژوازی و دیگر طبقات استثمارگر دست یافتند. لیکن تجربه مبارزات انقلابی پرولتاریای جهان ثابت ساخت که فقط تحت رهبری یک حزب کمونیست انقلابی واقعی است که پرولتاریا در اتحاد با سایر طبقات زحمتکش می تواند حاکمیت و دیکتاتوری طبقاتی سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و دیگر طبقات ارتجاعی استثمارگر (فئودال و تاجران کمپرادور و بوروکرات) را سرنگون کرده و حاکمیت و دیکتاتوری طبقاتی خودش را برقرار کند. مارکسیسم بوسیله لنین و مائوتسه دون در پروسه های مبارزات طبقاتی انقلابی و پیروزی انقلاب های پرولتری در روسیه و چین تکامل کیفی بیشتریافت و امروز کمونیستها و پرولتاریای انقلابی جهان علم انقلاب خود را مارکسیسم-لنینیسم-مائونیسم می نامند.

اولین انقلاب پرولتری در جهان کمون پاریس بود که در سال ۱۸۷۱ میلادی در فرانسه به پیروزی رسید. لیکن عمر انقلاب کمون بسیار کوتاه (حدود ۷۰ روز) بود و پرولتاریای فرانسه فرصت برای تحقق برنامه های انقلابی اش را نیافت. کمون پاریس اولین انقلاب اجتماعی در جهان بود که توسط طبقه پرولتاریا رهبری گردید. لیکن انقلاب کمون کمبودها و ضعفهای زیادی هم داشت که موجب شکست آن گردید. این انقلاب پرولتری بوسیله طبقه بورژوازی فرانسه و طبقه مالکان ارضی، کارخانه داران، تمام دزدان بزرگ و کوچک و تمام استثمارگران و به کمک بورژوازی آلمان و دیگر کشورهای اروپائی سبعانه بخون کشیده شد. طبقه بورژوازی در منش فرانسه و دیگر طبقات و اقلش ضد انقلابی در جریان سرکوب انقلاب کمونیست از صدهزار کارگر را به طرز فجیعی کشتند و ده ها هزار تن دیگر را در زندانها شکنجه کردند. پرولتاریای فرانسه در دفاع از انقلاب کمون فداکاریها و قهرمانیهای قابل وصفی کرد؛ اما ضعفها و کمبودهای آن از جمله نبود ستاد انقلابی پرولتاریا (حزب کمونیست انقلابی)، عدم توجه به سرکوب فوری و شکست قطعی طبقات حاکم ارتجاعی و انهدام دستگاه حاکمیت (دولت) آنها و عدم توجه به ساختار طبقاتی آن زمان جامعه فرانسه و جلب حمایت طبقه خرده مالکان و خرده بورژوازی (کثیرالعهده در فرانسه) به

انقلاب و فکتهورهای داخلی و خارجی دیگر موجب شکست آنها گردید. مارکس و انگلس و دیگر کمونیستهای انقلابی جهان از شکست انقلاب کمون پاریس درسهای مهمی آموختند.

بعد از کمون پاریس بزرگترین و با عظمت ترین انقلاب پرولتری در جهان انقلاب کبیراکتوبراست که صد و سه سال قبل بتاریخ (۲۵) اکتوبرسال(۱۹۱۷) میلادی درامپراتوری روسیه تزاری به پیروزی رسید. پیروزی انقلاب کبیراکتوبر عصرجدیدی را اعلام کرد(عصرامپریالیسم و انقلابات پرولتری، عصردیکتاتوری پرولتاریا). انقلاب کبیراکتوبر محصول مبارزات انقلابی طولانی مدت کمونیستها و پرولتاریای انقلابی روسیه در رأس آن رفیق لنین و رفیق استالین بود. این انقلاب ظفرآفرین و نجات بخش تحت رهبری حزب کمونیست(بلشویک) برهبری لنین بزرگ به پیروزی رسید. انقلاب کبیراکتوبر اولین رستاخیزبزرگ پیروزمند پرولتاریای انقلابی جهان بود که شکست پذیری نظام سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و دیگر نظام های فرتوت استثمارگروستمگردد جهان را اعلام کرده و ناقوس مرگ سرمایه داری جهانی را بصدادرآورد. پیروزی انقلاب کبیراکتوبر حقانیت مارکسیسم انقلابی(علم انقلاب پرولتری) را به ثبوت رساند. پرولتاریای انقلابی روسیه تزاری در اتحاد با سایر طبقات تحت استثمار و ستم نظام کهن بورژوازی امپریالیستی فئودالی میلیتاریستی(تزاریزم) راسرنگون کرده و برویرانه های آن دیکتاتوری طبقاتی اش را برقرار کرده و نظام نوین سوسیالیستی را بنیاد نهاد و ده ها میلیون تن از خلقهای ملیتهای تحت ستم و استثمار را نجات داد. پیروزی انقلاب کبیراکتوبر این حقیقت را به ثبوت رساند که اگر طبقه پرولتاریا و سایر طبقات و اقشار خلق زحمتکش به آگاهی سیاسی انقلابی دستیابند و مبارزات آن ها توسط حزب انقلابی پرولتری واقعی رهبری شود، پیروزی آنها در سرنگونی حاکمیت طبقات ارتجاعی و طرد سلطه امپریالیسم حتمی است. در همه جوامع طبقاتی این وظیفه کمونیستهای انقلابی است که در تبلیغ و ترویج اندیشه های انقلابی رهائیبخش پرولتری(مارکسیسم-لنینیسم-مائونیسم) در بین پرولتاریا و سایر طبقات و اقشار زحمتکشن و ارتقای سطح آگاهی سیاسی انقلابی آنها کوشیده و توده های خلق را از ماهیت و خصلت طبقاتی ضدانقلابی و ضد مردمی سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و دیگر طبقات ارتجاعی منحیث دشمنان اصلی و اساسی آنها آگاه سازند. پرولتاریا و سایر طبقات خلق زحمتکش باید آگاهی حاصل کنند که تنها سوسیالیسم و کمونیسم انقلابی می تواند آنها را از زیر یوغ ستم و استثمار سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و استثمار و ستم چند لایه طبقات ارتجاعی فئودال و کمپرادور و فقر و گرسنگی و اجحاف و بی عدالتی نجات دهد. همچنین افشای چهره کمونیستهای دروغین، انواع رویزیونیسم و اپورتونیسم و خصلت ضدانقلابی و اهداف ضد مردمی و برنامه ها و شعارهای دروغین و فریبنده آنها از جمله وظایف مهم کمونیستهای انقلابی است. لنین در رأس کمونیستهای انقلابی در روسیه تزاری طی حدود سه دهه مبارزه طبقاتی انقلابی علیه تزاریزم و مبارزه ایدئولوژیک-سیاسی انقلابی علیه اندیشه

های انحرافی ضدپرولتری، "ناردنیکها"، "مارکسیستهای علنی"، منشویکها، «سوسیالیستهای انقلابی» و دیگران رابه پیش برده و ماهیت ایدئولوژیک-سیاسی انحرافی و ضدانقلابی آنها را برای پرولتاریا و سایر طبقات زحمتکش از جمله نیمه پرولتاریای روستاها و دهقانان فقیر افشا کرد. لنین بدرستی می دانست که بدون مبارزه ایدئولوژیک-سیاسی در جهت افشای ماهیت خطوط انحرافی ضدانقلابی و آگاه ساختن پرولتاریا و سایر زحمتکشان، پیشرفت و تکامل جنبش انقلابی پرولتری ممکن نیست. همچنین لنین مبارزه ایدئولوژیک سیاسی علیه انواع رویزیونیسم و اپورتونیسم را در سطح جنبش بین المللی کمونیستی مجدانه به پیش برده و چهره ضدانقلابی آنها را برای پرولتاریای جهان برملا کرد. دوجریان اپورتونیستی و ضدانقلابی منشویکها و «سوسیالیستهای انقلابی» خاصاً در آستانه پیروزی انقلاب کبیراکتوبرسعی می کردند تا طبقه کارگرو سایر طبقات زحمتکش را نسبت به پیروزی انقلاب کبیراکتوبر متوهم سازند. این دو گروه که در جریان انقلاب بورژوا دموکراتیک (فبروری ۱۹۱۷) با شعارهای بظاهر «انقلابی و مترقی» توانسته بودند در شوراهای کارگری و دهقانی حمایت اکثریت کارگران و دهقانان را جلب کنند. اما شوراهای کارگران و دهقانان فقیر در جریان ۹ ماه (از فبروری تا اکتوبر) در کارزار پراتیک مبارزه طبقاتی انقلابی حاد برهبری حزب کمونیست (بلشویک) و تحت رهبری داهیان لنین و اعتلای جنبش انقلابی پرولتری به ماهیت ضدانقلابی و اهداف ضد پرولتری این گروه ها آگاهی بیشتر حاصل کرده و اکثریت قاطع آنها به حمایت و جانبداری از کمونیستهای (بلشویک) رأی دادند. این دو گروه اپورتونیستی بعد از سرنگونی تزاریزم و پیروزی انقلاب کبیراکتوبر در برابر انقلاب موضع خصمانه گرفته و در نهایت در پرتگاه ضدانقلاب سقوط کردند. بعبارت دیگر سیل خروشان انقلاب کبیراکتوبر تحت رهبری کمونیستهای انقلابی برهبری لنین و استالین این همه خس و خاشاک را از سر راهش رفته و در مزبله که شایسته آنها بود انداخت. البته تعدادی از جناح "چپ" «سوسیالیستهای انقلابی» به انقلاب اکتوبر همراه شدند. با پیروزی انقلاب کبیراکتوبر پرولتاریا و سایر خلقهای زحمتکش و ملل اسیر ساکن در امپراتوری تزار از استثمار بیرحمانه و انواع ستم و مظالم وحشیانه و فقر و سیاه روزی رهائی یافته و به آزادی و دموکراسی واقعی و رفاه و عدالت اجتماعی رسیدند.

با پیروزی انقلاب کبیراکتوبر جنبشهای انقلابی پرولتری در سراسر جهان اوج گرفته و گسترش یافتند. انترناسیونال سوم (کمینترن) با توجه خاص لنین و با شرکت احزاب و گروه های کمونیستی حدود سی کشور جهان تأسیس شد. کمینترن نقش مهمی در ایجاد، توسعه و تقویت جنبش انقلابی پرولتری در جهان ایفا نمود. جنبش انقلابی مارکسیستی به سرعت در اروپا، آسیا و امریکا بوجود آمده و گسترش یافت. سازمان ها و احزاب کمونیست انقلابی در کشورهای مختلف جهان تشکیل شدند. کنگره دوم انترناسیونال سوم (کمینترن) در سال ۱۹۲۰ با شرکت ۴۱ حزب کمونیست تشکیل گردید. احزاب کمونیست در کشورهای

مختلف جهان رهبری مبارزات انقلابی پرولتاریا و سایر زحمتکشان رابعده گرفتند. حزب کمونیست چین برهبری رفیق مائوتسه دون جنگ انقلابی خلق را علیه طبقات ارتجاعی فئودال و کمپرادور بوروکرات و امپریالیستهای حامی آنها آغاز کرد. انقلاب ملی - دموکراتیک (انقلاب دموکراتیک نوین) در اکتوبر سال (۱۹۴۹) به پیروزی رسیده و تا سال (۱۹۵۸) به انقلاب سوسیالیستی گذار کرد. قبل از آن خلق ویتنام با مبارزات انقلابی تحت رهبری حزب کمونیست این کشور برهبری هوچی مین سلطه استعماری امپریالیسم فرانسه را در سال (۱۹۴۵) طرد کرده و با سرنگونی حاکمیت طبقات ارتجاعی فئودال و کمپرادور انقلاب ملی - دموکراتیک را به پیروزی رسانده و نظام دموکراتیک توده ای را تأسیس کردند. همچنین خلقهای لائوس و کوریای شمالی خود را از سلطه امپریالیسم نجات داده و با سرنگونی طبقات ارتجاعی نظام های دموکراتیک توده ای تشکیل دادند. بعد از جنگ جهانی امپریالیستی دوم خلقهای کشورهای اروپای شرقی با مبارزات انقلابی شان و با کمکهای بی شائبه انترناسیونالیستی کشورشورهاها بعد از شکست امپریالیستهای فاشیست و سرنگونی حاکمیت طبقات ارتجاعی کشورهای شان نظامهای دموکراتیک توده ای تشکیل داده و به نظام های سوسیالیستی رسیدند. پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر بزرگترین تحول انقلابی اجتماعی در تاریخ بشر بود. پژواک این انقلاب رهائیبخش در سراسر جهان طنین انداخته و موجب بیداری خلقهای تحت ستم و استثمار و ملل زیر سلطه استعمار و امپریالیسم در جهان گردید. کشورشورهاها منحنی دژ انقلاب جهانی منبع امیدی برای پرولتاریا و سایر خلقهای زحمتکش و تحت ستم در جهان گردید. جنبشهای آزادی بخش ملی در کشورهای زیر یوغ استعمار و امپریالیسم اوج و گسترش یافته و خلق های این کشورها از زیر سلطه استعمار و امپریالیسم رهائی یافتند. و قرن بیستم قرن پیروزی انقلاب های سوسیالیستی و انقلاب های دموکراتیک توده ای بود.

بعد از پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر چهارده کشور امپریالیستی با همدستی طبقات ارتجاعی شکست خورده در روسیه در سال (۱۹۱۸) به کشورشورهاها هجوم بردند تا انقلاب اکتوبر و دیکتاتوری پرولتاریا و نظام سوسیالیستی را سرنگون کنند. در زمانی که انقلاب مورد حملات امپریالیستهای خارجی و ضدانقلاب داخلی قرار گرفت اپورتونیستهای ضدانقلاب منشویک و «سوسیالیستهای انقلابی» و دیگر همسخان آنها بر ضد انقلاب اکتوبر قرار گرفته و با آنها همدست شدند. ولی با مبارزه انقلابی و مقاومت شجاعانه کارگران، دهقانان و سایر اقشار زحمتکش و کمونیستهای انقلابی مواجه شده و مفتضحانه شکست خوردند و کشورشورهاها راه ترقی و پیشرفت و ساختمان سوسیالیسم را پیموده و بیک قدرت بزرگ انقلابی در سطح جهان بدل گردید. با آنهم لنین گفت: "سراپای وجود بورژوازی بین المللی را کینه و خصومت خشمگین نسبت به روسیه شوروی فرا گرفته و در هر لحظه آماده است برای خفه کردن روسیه شوروی بجان وی ببرد". بار دیگر در زمان جنگ جهانی امپریالیستی دوم جبهه امپریالیستهای فاشیست نازی و جاپان

و دیگر متحدین آنها تهاجم نظامی وحشیانه را در سال ۱۹۴۱ میلادی علیه کشورشورها آغاز کردند که با مبارزه و مقاومت سرسختانه کارگران، دهقانان و کمونیستهای انقلابی کشورشورها مواجه شده و شرمسارانه شکست خوردند. امپریالیسم امریکا در سال (۱۹۵۰) به کوریای شمالی حمله کرد؛ لیکن جمهوری دموکراتیک خلق کوریای شمالی برهبری (کیم ال سونگ) و با کمک و حمایت اتحاد جماهیرشوری سوسیالیستی و جمهوری خلق چین شکست سختی را بر ارتش مهاجم امریکا وارد کردند. امپریالیستهای غارتگر امریکائی در سال (۱۹۶۵) میلادی خلق مبارز ویتنام شمالی را سببانه مورد تهاجم نظامی قرار داده و تا سال (۱۹۷۵) بیش از سه میلیون تن آنها را کشتند و فجیع ترین و غیرانسانی ترین جنایات را علیه خلق ویتنام مرتکب شده و ویرانیهای گسترده ای به این کشور وارد کردند. لیکن با مقاومت و مبارزه فداکارانه خلق ویتنام شکست ننگین و سرافکنندگی نصیب یانکیهای جنایتکار گردید. همچنین در زمانی که اتحاد شوروی سوسیالیستی تحت رهبری رفیق استالین در راه ساختمان سوسیالیسم به پیش می رفت تروتسکی اپورتونیست و ضدانقلاب و دیگر همپاله های وی در برابر انقلاب اکتوبر و ساختمان سوسیالیسم قرار گرفته و تخریبکاری و توطئه چینی می کردند. تروتسکی که طی سالها در برابر لنینیسم و پیروزی انقلاب سوسیالیستی در روسیه موضع منزلی داشت، در آستانه پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر ظاهرأ «از خود انتقاد کرده» و به حزب کمونیست (بلشویک) پیوست. تروتسکی با آنکه در انقلاب اکتوبر شرکت کرد؛ لیکن اصلاً به لنینیسم و پیروزی انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم در روسیه باور نداشت. تروتسکی در یکی از نامه های خود در سال ۱۹۱۳ با تأکید می نویسد: "ساختار لنینیسم بر پایه ای دروغ و تحریف بنا شده و از همان آغاز هر مهلک خود را در داخل خود دارد". عمده ترین مشخصه «تروتسکیسم» تئوری باصطلاح «انقلاب پی در پی» است که مضمون اصلی آن تئوری "عدم امکان ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی" می باشد. تروتسکی و همسخان وی خاینانه علیه حزب کمونیست (بلشویک) و دولت در کشورشورها تحت رهبری لنین و استالین تخریبکاری و توطئه چینی می کردند.

انقلاب کبیر اکتوبر دشمنان نیرومند زیادی در سطح جهان داشت، سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و ارتجاع. دشمنان سوسیالیسم و کمونیسم که دچار تب لرزه مرگ شده بودند، از فردای پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر حملات خصمانه را علیه آن آغاز کردند و بعد طی چند دهه لحظه ای از توطئه چینی و تخریبکاری و اتهامات بی بنیاد و کذب علیه انقلاب اکتوبر باز نماندند. امپریالیسم و ارتجاع بین المللی با پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر و پیروزی انقلاب های پرولتری در کشورهای دیگر از جمله انقلاب چین تبلیغات زهر آگین و دروغ پراکنی با طرق و شیوه های مختلف به پیش برده و سعی کردند تا اندیشه های نجاتبخش کمونیسم انقلابی و رهبران بزرگ پرولتاریای جهان و انقلاب های پرولتری پیروزمند را در جهان «بدنام» کنند. ده

ها نویسنده مرتجع و ضد کمونیست و خود فروخته رادر کشورهای مختلف جهان اجیر کردند تا علیه کمونیسم انقلابی ورهبران بزرگ آن قلم بدهد. کتاب و رساله و صدها داستان دروغین و جعلی را در این زمینه تهیه کرده و به خورد توده های خلق ناآگاه دادند. در تمام این جریان عناصر اپورتونیست و رویزیونیست ضد انقلابی از جمله کائوتسکی، تروتسکی و امثال آنها در سطح جهان آلت دست سرمایه داری جهانی و امپریالیسم قرار گرفته و علیه کمونیسم انقلابی ورهبران بزرگ پرولتاریای جهان تهمت زنی، جعلکاری، تبلیغات سوء و دروغ پراکنی کردند.

تاریخ انقلاب کبیراکتوبر و دیگر انقلاب های پرولتری در جهان این حقیقت را درباره ماهیت و خصلت اپورتونیسم و رویزیونیسم بوضوح نشان داده اند که اینها چگونه با شعارهای «انقلابی» «تند و تیز» دروغین و ژستهای انقلابیگری و ترفندهای اپورتونیستی چهره واقعی خود را از کارگران و سایر توده های خلق نا آگاه پنهان کرده و آن ها را برای مدتی بعقب شان می کشانند. اما زمانی جنبش انقلابی پرولتری رشد و تکامل یافت و اوج گرفت و با گسترش مبارزه ایدئولوژیک-سیاسی کمونیستهای انقلابی علیه انواع اپورتونیسم و رویزیونیسم و با ارتقای سطح آگاهی سیاسی توده های خلق ماسک انقلابی مآبی آنها افتاده و چهره واقعی آنها برای توده های خلق برملا می گردد. همینکه «اعتبار سیاسی» کذائی شان در نزد توده های خلق افول کرد دچار جنون شده و جهت انتقامگیری از کمونیستهای انقلابی و توده های خلق بگونه آشکار در جایگاه اصلی شان یعنی در صف طبقات ارتجاعی فئودال و کمپرادور و در آغوش امپریالیسم قرار گرفته و از هیچ رذالت و جنایت و خیانتی علیه خلق و کمونیستهای انقلابی دریغ نمی کنند. این رامنشویکها و «اس ارهای» ضد انقلابی بعد از پیروزی انقلاب کبیراکتوبر و تهاجم و حشیانه قدرتهای امپریالیستی و شورشهای ضد انقلاب داخلی بوضوح نشان دادند. همچنین ما شاهدیم که رویزیونیستهای خود فروخته «حزب توده ایران» و «چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)» «بنابر ماهیت ایدئولوژیک-سیاسی و خصلت طبقاتی شان در دهه هشتاد میلادی قرن بیستم به خدمت رژیم جنایتکار و خون آشام خمینی قرار گرفته و فرزندان مبارز و انقلابی خلق ایران را به دستگاه های جاسوسی جهانی جمهوری اسلامی معرفی کردند و صدها و هزاران تن آنها به جوخه های اعدام سپرده شده و یا در زندانهای رژیم به شیوه های وحشیانه و غیر انسانی تحت شکنجه های جسمی و روانی قرار گرفتند.

تقریباً همه نیروهای انقلابی و مترقی و خلقهای زحمتکش جهان از جنایات هولناک رژیم رویزیونیستهای «حزب دموکراتیک خلق» در افغانستان در اواخر دهه هفتاد و تا اوایل دهه نود قرن بیستم علیه خلق افغانستان و نیروهای انقلابی و مترقی منسوب به "جریان دموکراتیک نوین (شعله جاوید)" و سازمانهای انقلابی پرولتری منسوب به آن و دیگر افراد آزادی خواه و میهن دوست جامعه آگاهی دارند. این خود فروخته های

جنایتکار چند هزار تن از نیروهای منسوب به جریان دموکراتیک نوین (شعله جاوید) را اعدام و یا در زندانهای مخوف وحشیانه شکنجه کردند. رویزیونیستهای «خلق» پرچمی، «سازائی» قبل از رسیدن بقدرت سیاسی جهت فریب کارگران و دهقانان و طبقه خرده بورژوازی شعارهای بظاهر «انقلابی و مترقی» سر داده و صحبت از دوستی خلقها و میهن دوستی می کردند. همینکه در سال ۱۹۷۹ میلادی با کمک مستشاران نظامی دولت سوسیال امپریالیسم «شوروی» در ارتش دولت افغانستان طی کودتای نظامی بقدرت رسیدند، ماهیت ایدئولوژیک سیاسی و خصلت طبقاتی ضدانقلابی و ضد مردمی آنها برای توده های خلق هرچه بیشتر آشکار گردید. از آن جایکه رویزیونیستهای «خلق» پرچمی «سازائی» فاقد پایه مردمی در کشور بودند از همان ابتدای حاکمیت شان دچار وحشت شده و اختناق و استبداد فاشیستی را در جامعه حاکم کرده و تعقیب و زندان و شکنجه و اعدام مخالفین سیاسی شان را آغاز کردند. رژیم «حزب دموکراتیک خلق» بر رهبری نور محمد تره کی و حفیظ الله امین چون گشتاپوهای رژیم آلمان نازی بجان مردم افتاده و هزاران تن را «بجرم» مخالفت با رژیم بدون محاکمه اعدام و یا زنده بگور کردند. استبداد و فاشیسم سبعانه را هرچه بیشتر در جامعه گسترش دادند. حدت ستم و استبداد و فاشیسم رژیم در جامعه به آن حدی گسترش یافت که غیر از اعضای حزب و دولت و مشتی از هواداران رژیم دیگر هیچ طبقه و گروهی در جامعه در امان نماند. توده های خلق و اقشاری از طبقه خرده بورژوازی علیه رژیم شورش کرده و سلاح بدست گرفتند. قیامها و شورشهای خود جوش مسلحانه توده های خلق علیه رژیم در کمترین وقت در سراسر کشور گسترش یافت و رژیم مزدور در زیر ضربات مبارزات نظامی توده های خلق و فشارنا رضائی عمومی در جامعه در لبه پرتگاه سقوط قرار گرفت. سوسیال امپریالیسم شوروی برای نجات رژیم مزدور و حفظ سلطه امپریالیستی اش در افغانستان و منطقه با بیش از یکصد هزار تن ارتش مجهز به افغانستان تهاجم نظامی کرد و برای مدت ده سال افغانستان را اشغال نظامی کرده و به سلطه استعماری اش در آورد. با ورود ارتش «شوروی» به افغانستان رژیم مزدور بر رهبری ببرک کارمل (شاه شجاع دوم) بنا بر ماهیت طبقاتی اش از برنامه اصلاحات ارضی رژیم تا حدی عقب نشینی کرده و مقداری از اراضی و املاک و جایداد طبقات فنودال و تاجران کمپرادور و خوانین را به آنها مسترد کرد و آن هانیز بنا بر خصلت طبقاتی ارتجاعی شان تسلیم ارتش اشغالگر و دولت مزدور شده و با آنها همکاری کرده و بر ضد منافع خلق و کشور قرار گرفتند. ولی شورشها و قیام های خود جوش توده های مردم علیه ارتش سوسیال امپریالیسم «شوروی» و رژیم رویزیونیستهای دست نشانده اش بیش از قبل گسترش یافته و شدت گرفت. اما با ضعف نیروهای انقلابی پرولتری و مترقی، احزاب ارتجاعی اسلامی مزدوران امپریالیستهای غربی و دولتهای ارتجاعی منطقه از جمله پاکستان و ایران و عربستان سعودی با سلاح و مهمات نظامی و امکانات مالی در رهبری جنبش خود جوش توده های مردم قرار گرفته و جنگ آزادی خواهانه توده های مردم را «جنگ اسلام و کمونیسم» تبلیغ کرده و آن را در جهت اهداف ارتجاعی طبقاتی خود و امپریالیستهای غربی

ودولتهای ارتجاعی منطقه از مسیر اصلی آن منحرف ساخته و به شکست کشاندند. اشغالگران روسی رژیم مزدور آنها طی یک ونیم دهه حدود یک ونیم میلیون تن از خلق افغانستان را کشتند و بیش از این تعداد رامعلول و معیوب کردند، هزاران تن رادر زندانهای مخوف سبعانه شکنجه کرده و انواع ستم و مظالم رابر خلق افغانستان اعمال کرده وکشور را در همه عرصه ها ویران کردند. دستگاه مخوف جاسوسی رژیم بنام « خاد» تحت رهبری داکترنجیب (جلاد) رئیس آن هزاران تن را بجرم های واهی گرفتار و بعد از شکنجه های وحشیانه و غیرانسانی به جوخه های اعدام سپرد. اینست شمه ای از جنایات و خیانتهای رویزیونیستهای « حزب دموکراتیک خلق» و بآداران سوسیال امپریالیست آنها علیه خلق افغانستان. اینها همه این جنایات را با ادعای دروغین « سوسیالیسم و کمونیسم» و «انترناسیونالیسم» انجام دادند. و این درنوبه اش بزرگترین خیانت و سنگین ترین ضربت به اندیشه های کمونیسم انقلابی در جهان وارد کرده و تمسکی شد برای امپریالیسم و ارتجاع بین المللی تا هرچه بیشتر اذهان توده های خلق جهان را نسبت به اندیشه های کمونیسم انقلابی مغشوش و متوهم ساختند.

با آغاز شورشها و قیام های خود جوش توده های خلق علیه رژیم مزدوروارتش سوسیال امپریالیسم «شوروی» نیروهای منسوب به جریان دموکراتیک نوین و سازمان های انقلابی پرولتری درکنار توده های خلق قرار گرفته و با مبارزه ایدئولوژیک-سیاسی مبارزه مسلحانه را علیه رژیم مزدوروارتش اشغالگری روسی به پیش بردند. لیکن احزاب و تنظیمهای ارتجاعی اسلامی مزدورامپریالیستهای غربی و دولتهای ارتجاعی منطقه این دشمنان خونخوار نیروهای انقلابی پرولتری درجهات جنگ علیه آنها تخریبکاری و توطئه چینی کرده و با حملات جنایتکارانه ده ها تن آنها را کشتند. نیروهای انقلابی پرولتری (م- ل- م) افغانستان از یکطرف کمبودها و ضعفهای داشتند از جمله نبود حزب انقلابی پرولتری نیرومند و وجود انحرافات اپورتونیستی و رویزیونیستی در جنبش انقلابی پرولتری و از جانب دیگر وجود دشمنان طبقاتی و ملی قدرت مند در صحنه جنگ از جمله سوسیال امپریالیسم «شوروی» و دولت دست نشانده اش و نیروهای ارتجاعی اسلامی که از جانب امپریالیستهای غربی و دولتهای ارتجاعی تسلیح و تمویل و حمایت سیاسی می شدند، نتوانستند بیش از چهار سال به مبارزه مسلحانه ادامه داده و در جهت تحقق استراتژی و اهداف انقلاب پرولتری، جنگ آزادی خواهانه خود جوش توده های خلق رادر مسیر اصلی آن، جنگ آزادیبخش ملی مترقی در جهت طرد سلطه استعماری سوسیال امپریالیسم « شوروی» و سرنگونی رژیم مردوران و ارتقای آن به جنگ انقلابی خلق در جهت سرنگونی فنودالیزم و کمپرادوریزم و کلاً قطع سلطه امپریالیسم ازکشور و پیروزی انقلاب ملی - دموکراتیک (دموکراسی نوین) و تشکیل دولت دموکراتیک خلق تحت رهبری پرولتاریا و پیروزی سوسیالیسم رهبری کنند.



تشکلهای اپورتونیستی و رویزیونیستی دیگر از جمله « سازمان رهائی افغانستان » طی حدود پنج دهه اخیر به جنبش کمونیستی ( م- ل- م ) افغانستان خیانت کرده و ضربات سنگینی به آن وارد کرده است. این گروه رویزیونیستی در دهه هشتاد میلادی در جنگ علیه ارتش سوسیال امپریالیسم « شوروی » و رژیم مزدور با احزاب ارتجاعی اسلامی « میانه رو » متحد شده و « جبهه مبارزین مجاهد » را تشکیل کرده و برای پیروزی « جمهوری اسلامی » مبارزه کرد. در سال ۲۰۰۱ میلادی در کنفرانس "بن" آلمان شرکت کرده و در کنار احزاب ارتجاعی جنایتکار و خاین و وطن فروش پای سند اسارت آورو ننگین اشغال نظامی و سلطه استعماری امپریالیستهای امریکائی و "ناتو" امضا کرده و در دولت دست نشانده برهبری کرزی مزدور (شاه شجاع سوم) سهم گرفت و به خلق و میهن خیانت کرد. همچنین « سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) » ( بعد از اعدام فقید مجید ) از موضع برنامه " ملی دموکراتیک " قبلی اش انحراف کرده و در جهت برنامه پیروزی " جمهوری اسلامی " مبارزه کرد. « ساما » طی چهار دهه اخیر در دو مقطع زمانی تسلیم دشمنان ملی و طبقاتی خلق افغانستان از جمله ( سوسیال امپریالیسم « شوروی » و رژیم مزدوران و امپریالیستهای امریکائی و "ناتو" و دولت دست نشانده آن ) شده و به خلق و کشور خیانت کرده است. تشکلهای اپورتونیستی و رویزیونیستی دیگر از جمله " سازمان مبارزه برای تأسیس حزب کمونیست افغانستان " « سازمان انقلابی وطن پرستان واقعی (ساوو) » « اتحاد مارکسیست - لنینیست های افغانستان (املا) » « جناح اکثریت از " سازمان پیکار برای نجات افغانستان " و « سازمان سوسیالیستهای کارگری » نیز ضربات سنگینی به جنبش انقلابی پرولتری ( م- ل- م ) کشور وارد کرده اند. این گروه ها با شعارهای « انقلابی و مترقی » و انقلابیگریهای کذائی ، خلق افغانستان را اغوا کرده و ده ها و صدها تن از روشنفکران نا آگاه را طی چهل سال اخیر به منجلاب اپورتونیسم و رویزیونیسم کشانده اند. از جمله گروه های رویزیونیستی و ضدانقلابی « ساما- ادامه دهندگان » « سازمان انقلابی افغانستان » (منشعب از « سازمان رهائی افغانستان ») و عده ای از رویزیونیستهای "سازمان انقلابی وطن پرستان واقعی (ساوو)" با تمام ذلت و بی شرافتی به خدمت دستگاه های جاسوسی دولتهای امپریالیستی و ارتجاعی قرار گرفته و هویت اصلی و آدرس کمونیستهای انقلابی ( م- ل- م ) را به آن ها معرفی کرده و در سایت ها و نشریه های شان از جمله سایت « افغانستان آزاد » علیه ماتهمت زده و فحاشی می کنند. همچنین « حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان » که از بدو تأسیس آن دچار انحرافات اپورتونیستی و رویزیونیستی بوده و طی این مدت کمترین اعتنائی به نقد های اصولی کمونیستهای انقلابی ( م- ل- م ) نکرده و در این پرتگاه سقوط کرده است. رهبری این « حزب » هر انتقاد اصولی را با اکاذیب، اتهامات بی بنیاد و ناسازگونی پاسخ داده اند. متأسفانه هستند تعدادی از احزاب و سازمان های در سطح جهان که خود را کمونیست ( م- ل- م ) می خوانند؛ ولی طی سالها به انحرافات اپورتونیستی و رویزیونیستی این " حزب " وهم اینکه با این

انحرافات چه ضرباتی به جنبش کمونیستی (م- ل- م) افغانستان وارد کرده است کمترین توجهی نکرده اند.

با تذکر مختصر به حملات وحشیانه سرمایه داری جهانی و امپریالیسم علیه انقلاب های پرولتری و نظام های سوسیالیستی و جنبش بین المللی کمونیستی در قرن بیستم؛ ملاحظه می شود که هیچ یک از این قدرتهای جهانخوار نتوانستند آن ها را مغلوب و سرنگون کنند. ولی همه این انقلاب های پرولتری و دیکتاتوری های پرولتاریا و نظام های سوسیالیستی در کشورشورها، چین، آلبانی و کشورهای دیگر رژیم های دموکراتیک توده ای در ویتنام شمالی، لائوس و کوریای شمالی بوسیله رویزیونیستهای رنگارنگ از جمله (رویزیونیسم " مدرن" خروشچی، رویزیونیسم « سه جهانی» و دگمارویزیونیسم خوجه ای) در درون احزاب کمونیست و دولت های سوسیالیستی سرنگون شدند. همچنین ده ها سازمان و حزب کمونیست انقلابی در کشورهای مختلف جهان از درون بوسیله انواع رویزیونیسم و اپورتونیسم به انحراف و انحطاط کشانده شده اند. این دشمنان نقابدار کمونیسم انقلابی از کمکها و حمایتهای نهان و آشکار سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و ارتجاع و همدستی بقایای طبقات ارتجاعی شکست خورده در داخل و خارج این کشورها برخوردار بوده و هستند. انقلاب پرولتری در کشور نپال بوسیله رویزیونیستهای درون حزب کمونیست نپال (مائوئیست) بر هبری پراچندامرتد و خاین در سال (۲۰۰۵) میلادی به شکست کشانده شد و این خیانت ضربت سهمگینی به انقلاب خلق نپال که در آستانه پیروزی قرار داشت و جنبش بین المللی کمونیستی (م- ل- م) وارد کرد. و نیز ضعف و بحران جنبش بین المللی کمونیستی طی یک و نیم دهه اخیر نتیجه خیانتهای انواع اپورتونیسم و رویزیونیسم از جمله انحراف رویزیونیستی « حزب کمونیست انقلابی» امریکا در رأس آن باب آواکیان زیر نام « سنتز نوین کمونیسم» و پیروان وی از جمله «حزب کمونیست ایران (م- ل- م)» و دیگران می باشد که موجب افتراق گسترده در جنبش کمونیستی (م- ل- م) در جهان گردیده و بر عمق بحران جنبش بین المللی کمونیستی افزوده است. و از جانب دیگر این امر مانع عمده در جهت تشکیل یک انترناسیونال کمونیستی طی بیش از دود دهه اخیر بوده است

تجارب مثبت و منفی پرولتاریای جهان در قرن بیستم در مبارزه علیه سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و دیگر نظام های ارتجاعی این دشمنان آشکار خلقها و جنبشهای انقلابی پرولتری؛ ملاحظه می شود که شناخت از آنها آسان است و پرولتاریا و سایر زحمتکشان جهان خاصاً در قرن بیستم مبارزه علیه آنها را با موفقیت به پیش برده اند. لیکن شناخت از اپورتونیستها و رویزیونیستهای درون احزاب کمونیست و دولت های پرولتری (زمانی که نظام های سوسیالیستی وجود داشتند) که با نقاب « سوسیالیسم و کمونیسم» چهره اصلی خود را مخفی می کنند خاصاً برای توده های خلق مشکل است. این عناصر ضد انقلابی

درفرصت مناسب (برای شان) حمله ضدانقلابی را علیه حزب و دولت و انقلاب آغاز کرده و نظام های سوسیالیستی را به نظام های سرمایه داری و سوسیال امپریالیستی تغییر ماهیت داده و برضد توده های خلق و انقلاب پرولتری درجهان قرار گرفتند. لذا با در نظر داشت این مهم این وظیفه کمونیستهای انقلابی انقلابی واقعی درجهان است که رویزیونیستها و اپورتونیستها را به موقع شناسائی کرده و آنها را از حزب کمونیست انقلابی طرد کنند. کمونیستهای انقلابی باید همزمان با مبارزه انقلابی علیه امپریالیسم و ارتجاع مبارزه ایدئولوژیک- سیاسی انقلابی علیه رویزیونیسم و اپورتونیسم (مبارزه بین "دوخط") را بصورت مداوم در درون احزاب کمونیست به پیش برده و حزب را همواره از وجود عناصر اپورتونیست و رویزیونیست تزکیه کنند. رفیق لنین می گوید: " بدون مبارزه علیه اپورتونیسم و رویزیونیسم مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع ممکن نیست".

مسئله مهم دیگر در شکست انقلاب های کمونیستی و انهدام دیکتاتوری های پرولتاریا و نظام های سوسیالیستی در قرن بیستم این بوده که همپا با ساختمان سوسیالیسم در عرصه های مختلف جامعه، کارگران و دهقانان و روشنفکران مردمی به لحاظ فراگیری دانش انقلابی (علم انقلاب پرولتری) پیشرفت و تکامل لازم را نداشته اند. این مسئله مهمی است و به چندین انقلاب فرهنگی پرولتاریائی (خاصاً در این عرصه) نیاز است تا سطح آگاهی انقلابی ایدئولوژیک-سیاسی کارگران و دهقانان و روشنفکران مردمی ارتقا یافته که در مواقع حساس و خطیر با ادعاهای دروغین و "تزه های رویزیونیستی" و ضدانقلابی رویزیونیستهای درون حزب و دولت سوسیالیستی اغوا شده و بتوانند در برابر حملات ضدانقلابی (کودتای رویزیونیستی) آنها مبارزه و مقاومت کرده و تا جایی امکان از شکست انقلاب و دیکتاتوری پرولتاریا و نظام سوسیالیستی جلوگیری کنند. مائوتسه دون می گوید: " شورش علیه ارتجاعیون برحق است. به شهادت تاریخ جنبش انقلابی پرولتری؛ در اتحاد شوروی سوسیالیستی در سال (۱۹۵۶) خروشچف در رأس رویزیونیستهای "مدرن" درون حزب و دولت تزه های رویزیونیستی مبنی بر « گذار مسالمت آمیز»، «همزیستی مسالمت آمیز» و «مسابقه مسالمت آمیز» و تکیه بر آنها را برای اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی اعلام کرد. همچنین تزه های رویزیونیستی و ضدانقلابی « پارلمانتاریزم»، «راه رشد غیر سرمایه داری»، «حزب تمام خلقی»، «دولت تمام خلقی» و « تقویت سکتور دولتی» را به جای مبارزه انقلابی پرولتری علیه حاکمیت طبقات ارتجاعی فئودال و کمپرادور و طرد سلطه امپریالیسم و پیروزی انقلاب ملی- دموکراتیک و انقلاب سوسیالیستی برای کشورهای تحت سلطه امپریالیسم در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین تدوین کرده و تزه های رویزیونیستی اش را بمتابه « خلاقیت نوین» شخص خودش به توده های خلق تبلیغ کرد. خروشچف خاینانه و ردیالانه استالین یکی از رهبران بزرگ پرولتاریای جهان را « خودکامه»، « درنده خو»، «مستبد»، «تروریست» و « بی فرهنگ» خوانده و مبارزه علیه

مارکسیسم-لنینیسم و تطبیق نقشه ها و برنامه های ضد کمونیستی و ضد مردمی اش را زیر نام « کیش شخصیت» استالین به پیش برد. بهمین صورت رویزیونیستهای چین که طی یک کودتای ضدانقلابی بقدرت رسیدند؛ چهار نفر از رهبران انقلابی حزب بعد از مائوتسه دون را دستگیر و زندانی کرده و صدها تن کمونیست انقلابی را کشته و هزاران تن دیگر را دستگیر را به زندان انداختند. رویزیونیستهای حاکم بر حزب و دولت چین دیکتاتوری پرولتاریا و نظام سوسیالیستی را منهدم کرده و تئوری رویزیونیستی و ضدانقلابی «سه جهان» را بحیث «استراتژی و تاکتیک انقلاب جهانی» جازده و ختم مبارزه طبقاتی و ملی انقلابی پرولتاریا و سایر خلقهای زحمتکش علیه دولتهای سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و دولتهای ارتجاعی را اعلام کرده و در کنار قدرتهای امپریالیستی و دولتهای ارتجاعی بر ضد مبارزات انقلابی پرولتاریا و سایر خلقهای زحمتکش جهان قرار گرفتند. سوسیال امپریالیستهای چین در سطح جهان خاصاً در جهت سلطه بر کشورهای «جهان سوم» در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین و بهره کشی از خلقهای این کشورها در رقابت شدید با ابرقدرت امپریالیستی امریکا و سایر قدرتهای امپریالیستی جهان قرار دارد.

کمونیستهای واقعاً انقلابی در کشورهای مختلف جهان باید از شکست انقلاب های پرولتری در قرن بیستم و دودهمه اخیر قرن بیست و یکم با دقت بیاموزند و به ماهیت خط ایدئولوژیک-سیاسی و خصالت طبقاتی سازمان ها و احزاب کمونیست انقلابی توجه جدی مبذول کرده و خطر اپورتونیسم و رویزیونیسم در درون احزاب را جدی بگیرند. اگرچه نظرات انحرافی اپورتونیستی و رویزیونیستی در درون سازمان ها و احزاب کمونیست در ابتدا بشکل انتاگونیستی ظاهر نمی شوند؛ ولی تاریخ انقلاب های کمونیستی و دیکتاتوری های پرولتاریا و نظام های سوسیالیستی در قرن بیستم و جنبش بین المللی کمونیستی از ابتدای ظهور آن تا کنون نشان می دهد که فقط عده ای کمی حاضر شده اند که اشتباهات و انحرافات اپورتونیستی و رویزیونیستی خود را پذیرفته و از خود انتقاد کنند و با پذیرش خط اصولی و انقلابی در مسیر انقلاب پرولتری قرار گیرند. لیکن اکثریت قاطع آن ها در نظرات و مواضع انحرافی و ضدانقلابی شان باقی مانده و علیه انقلاب پرولتری قرار گرفته اند. باین عبارت که تضاد بین خطوط و نظرات درست اصولی و انقلابی و خطوط و نظرات انحرافی اپورتونیستی و رویزیونیستی به تضاد انتاگونیستی بدل شده اند. تضاد بین خط انقلابی پرولتری و خطوط اپورتونیستی و رویزیونیستی در حزب کمونیست چین در نیمه دوم دهه شصت قرن بیستم به انتاگونیسم بدل گردید. مائوتسه دون شکست انقلاب در اتحاد شوروی سوسیالیستی بعد از مرگ رفیق استالین را با اتکاء به علم انقلاب پرولتری مورد تحلیل و تجزیه قرار داده و تئوری "ادامه انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا" یا "مبارزه طبقاتی در دوران سوسیالیسم" را کشف کرده و انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی را علیه رهروان سرمایه داری (رویزیونیستهای "سه جهان") رهبری کرده و برای ده سال انقلاب چین و دیکتاتوری پرولتاریا و نظام سوسیالیستی را از شکست و انهدام بوسیله رویزیونیستهای درون

حزب ودولت نجات داد. ولی با وفات رفیق مائوتسه دون در سال ۱۹۷۶ رویزیونیستهای مرتد وخاین درون حزب ودولت به سرکردگی هواکوفینگ ودن سیائوپینگ طی کودتای رویزیونیستی وضدانقلابی دیکتاتوری پرولتاریا ونظام سوسیالیستی را سرنگون کرده وکشورچین را درمسیر سرمایه داری قرارداده وبه کشور سرمایه داری امپریالیستی تغییر ماهیت دادند. رفیق مائوتسه دون بدرستی گفت که: " برای پیروزی سوسیالیسم و کمونیسم به چندین انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی نیاز است".

کمونیست های انقلابی باید به این مسئله مهم وحیاتی برای انقلاب پرولتری توجه جدی کرده وتاقبل از اینکه زهر مهلک اپورتونیسیم و رویزیونیسم حزب انقلابی پرولتری را به فساد وانحطاط بکشاند، آن ها راشناسائی وطرد کنند. مبارزه علیه رویزیونیسم یک مبارزه طبقاتی است ولحظه ای نباید از آن غافل ماند. مبارزه انقلابی در جهت استحکام خط ایدئولوژیک-سیاسی بر اساس ( م- ل- م) وتأکید بر " اصولیت انقلابی پرولتری" اصل مهم کمونیستی است. همچنین سازمان وحزب کمونیست انقلابی باید بامعیارهای لنینی ایجاد شود واز کمونیستهای واقعاً انقلابی معتقد به (م-ل-م) وبرخوردار از آگاهی لازم به علم انقلاب پرولتری وباورمند ومتعهد به تداوم مبارزه انقلابی در راه پیروزی سوسیالیسم و کمونیسم

**- زنده باد مارکسیسم- لنینیسم- مائوئیسم!**

**- پیروز باد مبارزات انقلابی پرولتاریا وسایر خلقهای زحمتکش در سراسر جهان!**

**- نابود باد سرمایه داری جهانی وامپریالیسم وارتجاع!**

**- مرگ بر انواع اپورتونیسیم و رویزیونیسم!**

۲۵ اکتوبر ۲۰۲۰ میلادی

( پولاد)